

انواع خودشناسی برای خودسازی

اشاره

؟ خودشناسی را سودمندترین دانش ها دانسته اند (انفع المعارف؛ معرفه النفس) اگر انسان خود و مقامات بلندی که در جهان آفرینش دارد را بشناسد؛ تمایل زیادی به کرامت نفس پیدا میکند و میفهمد که پادشاهی عالم در بندگی حق تعالی است... ؟ این نوع خودشناسی؛ یک نوع "انسان شناسی" است و اهمیت بسیار دارد و روند "مشارطه و مراقبه و معاقبه" را در مسیر سلوک الی الله؛ پربار میکند. اما برای خودسازی؛ خودشناسی های دیگری هم لازم است؛ زیرا وقتی انسان بخواهد خود را به الگوی "انسان کامل" نزدیک کند، باید از جهات گوناگون در خویش بنگرد و ناآراستگی های خود را بزداید. از اینجا خودشناسی های دیگر، ضرورت می یابد:

؟ خودشناسی خویشاوندی و فامیلی

اینکه بدقت درنگرد که بطور وراثتی احتمالا چه محاسن و معایبی از طریق خاندان پدری و مادری در وجودش هست و چه زمینه هایی در خویشان و اقوام، مشاهده می کند و البته بی اینکه خود را به گناه بیالاید (غیبت حرام و عیب جویی) در صدد رفع آن برآید. مثلا دقت کند آیا در صفات مشترک خویشاوندان؛ بخل و سخاوت، گرمی و سردی عاطفی، پاک چشمی و ناپاک چشمی، رواج حسادت و محبت و ... چه میزان شایع و ریشه دار است و از

این روزن به خود و چگونگی رهیابی معایب و محاسن خود، آگاه شود. در این نوع بررسی مناسب است در صفات خاندان پدری و مادری؛ نیک درنگرد و ببیند احتمالا در چه جغرافیایی ژنتیکی زاده شده و در پرتو آن در چه محیط تربیتی رشد یافته است. ؟ این یک خودشناسی فامیلی است و بسیار نافع و کارگشاست (در نهج البلاغه از امام علی ع مطالب تیره و نسب شناسی نقل شده است)

؟ خودشناسی شهروندی و خرده فرهنگی

یعنی در خود بنگرد که همشهریان او چه صفات بارزی دارند و از این صفات چه میزان در او رسوب کرده است. شرایط اقلیمی بر اقوام موثر می افتد. از این راه می تواند صفات بد و خوب دیگری را در خود رصد کند و به آن ها بپردازد. مثلا ممکن است دریابد تندخو است. با دیگران خشن سخن می کند، روش ارتباطی او در شهرهای دیگر پسندیده نیست. نوع خطاب کردن و صمیمیت و رسمیت او متعادل و دلپذیر هست یا نیست؛ مثلا اصفهانی ها ترزبان و شوخ طبع هستند. حال آسیب های ترزبانی و شوخ طبعی را در خود بررسی کند و مانند آن. ؟ این یک “خودشناسی خرده فرهنگی” است و بسیار کارگشاست. (از امام علی در نهج البلاغه؛ در مردم شناسی و اقلیم شناسی خطبه هایی نقل شده است)

؟ خودشناسی منطقه ای

انسان در این سنخ خودشناسی به مردم شناختی عام تری از خود رسیدگی می کند. مثلا من خود را از آن جهت که یک شرقی آسیایی است واری می کند و آسیب ها و خوب و بد خود را از این زاویه می کاود. مثلا “آسیایی ها،

احساسات غنی تری دارند و آسمانی تر می اندیشند و گاه در این سنخ و سبک اندیشه آسیب های زیادی رخ نموده است... (گو اینکه در سبک اندیشه غربی ها هم...)

؟ خودشناسی صنفی

در این خودشناسی؛ انسان به اقتضائات خوب و بد صنف خود توجه می کند. مثلا کسبه؛ کشاورزان؛ صنعتگران؛ پزشکان؛ روحانیان و... به دلیل تصنف به صنف خود؛ زمینه ی آسیب ها و شرایط ویژه ای را پیدا می کنند. انسان از این روزن می تواند بسیاری از شکل پذیری های وجودی خود را رصد کند و مراقبت های ویژه ای را پی بگیرد. (در شریعت هم به این زاویه توجه شده است. مثلا کفن فروشی و سلاخی شغل مکروهی دانسته شده است)

؟ چند نکته مهم

؟ هر یک از این خودشناسی ها، میوه ها و ویتامین های خود را دارد و حلقات مارپیچ و متداخل (?) خودشناسی را تکمیل می کند. متاسفانه در کتب اخلاق، چنین نگاه جامعی وجود ندارد و بیشتر به همان انسان شناسی اخلاقی بسنده شده است.

؟ در پرتو این خودشناسی ها؛ انسان می تواند زوایای کور وجود خود را بشناسد و به آن رسیدگی کند.

؟ بوسیله این خودشناسی ها می تواند؛ همشهریان؛ اقوام و ارحام و هموطنان خود را نیز جهت واررسی خود؛ کمک کند و با دانش بهتری به مسایل فرهنگی پردازد.

مطالب بیشتر را در تلگرام بخوانید.